

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه بلد، ۲۹ ماه مبارک رمضان

معرفی اجمالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱) وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲) وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ (۳) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (۴) أَمْ يَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵) يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا (۶) أَمْ يَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (۷) أَمْ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (۸) وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (۹) وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰) فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (۱۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (۱۲) فَكُّ رَقَبَةٍ (۱۳) أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَعْبَةٍ (۱۴) يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۱۵) أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (۱۶) ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (۱۷) أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۱۸) وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۱۹) عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ (۲۰)

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿۱﴾

قسم به این سرزمین، که منظور مکه هست.

وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿۲﴾

درحالیکه ای پیامبر(ص) تو در این سرزمین ساکن هستی یا خونت در این سرزمین حلال شمرده شده است. یعنی سرزمینی که ارزش خود را مدیون پیامبر(ص) است، جان همین پیامبر(ص) در این سرزمین در خطر است. این سوره در زمانی نازل شده است که مسلمانان تحت فشار بودند.

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ ﴿۳﴾

و قسم به یک پدر و آنچه از او متولد شد.

علامه (ره) می فرمایند منظور حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) است که بنیان گذاران کعبه بوده اند. قسم به این پیامبران سختی کشیده که بهترین بندگان خدا بودند و شهر مکه یاد آور انبیای زیادی است که در آن سختی کشیده اند.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾

همه این قسم ها برای این بود که بگویند: همانا ما انسان را در سختی خلق کردیم. مسیر رشد انسان سختی دارد.

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾

آیا این انسان را که در سختی خلق کردیم، گمان می کند که هرگز کسی بر او قدرت ندارد یا هرگز کسی بر او تنگ نمی گیرد؟

انسان فکر می کند در زندگی به او فشاری نمی آید؟ اصلا در سختی خلق شده است.

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَمْ لُبَدًا ﴿٦﴾ أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾

یک مبلغی به مستمندی داده می گوید خیلی مال تلف کردم. حالا که دادی فکر کردی تلف شده؟ اگر خودت می خوردی تلف نشده بود؟ مگر چقدر بوده؟

فکر می کند هیچ کس او را نمی بیند؟

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾

آیا ما به او دو چشم ندادیم؟

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾

و زبان و دو لب

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾

و دو راه خیر و شر را به او نشان ندادیم؟ هدایتش نکردیم؟

مگر ما این‌ها را به او ندادیم؟ حالا یک مبلغی به مستمندی داده فکر کرده که آن را تلف کرده است؟

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾

در ادامه سوره می‌فرماید که انسان با وجود این نعمت‌ها باید وارد عقبه بشود.

پس وارد عقبه نشد.

عقبه یعنی راه صعب العبور است که از پشت کوه به سمت قله می‌رود.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾

از کجا می‌دانی که عقبه چیست؟

فَكَرَّ رَاقِبَةً ﴿١٣﴾ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾

عقبه را معرفی می‌کند. عقبه‌ای که باید به سختی واردش شد و مسیر سختی هم هست، آزاد کردن برده است یا رفع گرفتاری کسی است. کسی که گردشش یک جا گیر کرده، این گردشش آزاد شود.

یا طعام دادن به دیگران در روز قحطی. نه اینکه اضافه‌غذایت را به کسی بدهی. قحطی هست، خودت هم غذا به سختی گیر می‌آوری، به دیگران طعام می‌دهی. حالا این فرد می‌تواند یک یتیمی از خویشاوندان باشد یا مسکین خاک‌نشینی که محل اسکان ندارد.

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾

انسان می‌تواند ببیند، می‌تواند حرف بزند، می‌تواند تشخیص بدهد، با وجود این نعمت‌ها عقبه را طی نمی‌کند.

حالا اگر این مسیر عقبه را طی کند، یعنی گرفتاری‌های دیگران را برطرف کند و به دیگران کمک کند، جزء افراد با ایمانی هستند که به صبر و پایداری و استقامت و هم چنان در مسیر ماندن و به مرحمت، مهربانی و باهم خوب بودن، همدیگر را توصیه می‌کنند.

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾

اینها همان اصحاب خوش یمن هستند. آدم خوب‌ها این‌ها هستند.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾

نقطه مقابل این‌ها کسانی هستند که به آیات ما کفر می‌ورزند و اهل شومی هستند.

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ﴿٢٠﴾

یک آتش فراگیری که احاطه شان کرده، بر آن‌ها تسلط دارد.

سوره مبارکه بلد در مورد خلق شدن انسان در سختی صحبت می‌کند و اینکه انسان اگر بخواهد مانند انبیا و اولیای الهی به مقاصد عالی که خدا برایش قرار داده، برسد باید مسیر سخت زندگی را طی کند. مسیر سخت زندگی اگر بخواهد نگاهمان درست باشد، خیلی هم لذت بخش خواهد بود مانند کوهنوردی می‌ماند. مسیر سخت زندگی شامل استفاده از آنچه که خدا به انسان داده، برای پیشرفت خود و دیگران است. اگر انسان این مسیر سخت زندگی را طی کند، به مقام ایمان و قرب به خدا می‌رسد و از اصحاب میمنه می‌شود در غیر اینصورت کافر به آیات می‌شود.

سوره بلد می‌خواهد سختی‌های زندگی را بپذیریم و این سختی‌ها برای ما شیرین شود. افق‌های بلند داشته باشیم و بدانیم که رسیدن به این افق‌های بلند، ارزش تحمل این سختی‌ها را دارد.

ارائه سوره به بچه‌های دبستانی

یکی از مفاهیم سوره بلد این است که همه مقاصد و هدف‌هایی که انسان می‌خواهد

به آن برسد، ساده و بسیط و دم دستی و راحت نیستند. برخی از این هدف‌ها، اهداف دورتر و بلندتر و پیچیده‌تری هستند که لازم است گامه‌ای را برای آن طی کنیم. این گام‌ها ارزش دارند که طی شوند تا به آن‌ها برسند و این طبیعتاً سختی‌هایی را هم به همراه دارد. از سوره بلد این را به بچه‌ها می‌گوییم که سوره بلد، سوره‌ای هست برای مقاصد پیچیده تر و مقاصدی که باید گام به گام به آن‌ها رسید. این را در یک سیری به بچه‌ها آموزش می‌دهیم:

- اول باید بحث داشتن مقاصد پیچیده برای بچه‌ها مطرح شود. یک درک تفصیلی پیدا کنند از انواع مقصد.
- بفهمند که برخی مقاصد راحت به دست می‌آیند، برخی مقاصد پیچیده ترند که مراحل آن کم و زیاد دارد، برخی مراحل سخت هستند، برخی آسان هستند.
- بچه‌ها خودشان بتوانند برای یک مقصد نسبتاً پیچیده گام‌بندی کنند و به آن برسند حتی اگر با کمک بزرگترهایشان باشد.
- به طور مشخص به مقاصد سخت تر و پیچیده تر توجه کنند و آن‌ها را انتخاب کنند و به آن برسند.
- در مرحله بعد به دیگران توجه کنند و تلاش کنند که دیگران را به مقاصدشان برسانند یا با هم به مقصد برسند.
- در نهایت یک جمع با مقصد بلند تشکیل بدهند و با صبر و مهربانی گام‌ها را طی کنند تا به مقصد برسند.

این سیر آموزش سوره بلد به بچه‌های دبستانی هست.

تدبر در سوره

لَا أَفْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱)

بلد به معنای سرزمین و قطعه‌ای مشخص از زمین است. نقطه‌ای خاص از زمین

که می‌توان آن را قصد کرد و به آن توجه کرد؛ ممکن است زمین کشاورزی یا یک روستا یا یک شهر باشد؛
 هذا البلد به سرزمین خاص و مشخصی اشاره دارد. اسمی از این سرزمین نیاورده است. در سوره تین هم هذا
 البلد الامین آمده است که صفت امین دارد. اینجا فقط وجه سرزمین بودن آن مطرح است.

لا اقسام به لحاظ لغوی یعنی سوگند نمی‌خورم و این خود یک قسم است؛ در سوره مبارکه واقعه، این نوع قسم
 خوردن که به ظاهر قسم نخوردن است واضح تر و روشن تر بیان شده است؛ وقتی که سه گروه اصحاب یمین
 و اصحاب شمال و مقربین را معرفی می‌کند، بعد برای اینکه در مورد قرآن صحبت کند، می‌فرماید لا اقسام
 بمواقع النجوم و انه لقسم لو تعلمون عظیم؛ قسم نمی‌خورم به جایگاه ستارگان؛ که اگر می‌دانستید (که
 نمی‌دانید) چه قسم بزرگ و عظیمی است؛ پس یعنی قسم خورده است؛ با بررسی لا اقسام در جاهای مختلف
 قرآن معلوم می‌شود که وقتی موضوع قسم، با عظمت تر از چیزی است که انسان می‌داند، لا اقسام می‌آید. انگار
 می‌گوید این آنقدر بزرگ است که به این نمی‌خواهم قسم بخورم.

قسم به این سرزمین که چقدر با ارزش است؛ نمی‌دانید که چه سرزمین بزرگی هست.

وَ أَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲)

واو حالیه است به معنی درحالی که، در حالی که تو ساکن در این سرزمین هستی؛

حلّ از ریشه حَلَّ،

۱- یا به معنای حلول، ساکن بودن، است، در مقابل ارتحال که به معنی کوچ است می‌باشد. حالّ یعنی ساکن.
 مُرتحل یعنی کوچ کننده. حالّ مرتحل یعنی کسانی که کوچ می‌کنند بعد یک جا ساکن می‌شوند. در این
 صورت آیه به مقیم بودن و استقرار پیامبر(ص) در این سرزمین اشاره می‌کند.

۲- یا به معنای حلال بودن است. در مقابل الحرام است. مسجد الحرام که می‌گویند حرام یعنی حرمت دار، یعنی
 مسجدی که باید حرمتش حفظ شود. وقتی خون یک انسان که حرام است و حرمت دارد، حلال شمرده شود،

یعنی می‌شود او را کشت! در این صورت آیه به شکسته شدن حرمت و حلال شدن خون پیامبر(ص) در این سرزمین اشاره دارد.

چون خداوند دقیق مشخص نکرده که منظور کدام معنی هست، پس می‌توان هر دو معنی را در نظر گرفت. سوگند به این سرزمین که تو ای پیامبر(ص)، در آن ساکن هستی درحالیکه خون تو در آن حلال شده است. اسمی از آن سرزمین که با لا اقسام به آن قسم خورده نیآورده است، فقط گفته سوگند به این سرزمین که تو ساکن آن هستی. یعنی این قسم با عظمت به خاطر حضور تو در این سرزمین خورده شده است. حالا در همین سرزمین که به خاطر تو ارزش یافته، خونت در آن حلال شده است. زندگی اینگونه هست که بزرگترین انبیا اینگونه در تنگنا زندگی می‌کند.

و وَالِدٍ وَّ مَا وُلْدًا (۳)

در این آیه اب و ابن نگفته است. اب وقتی می‌آید که بحث سرپرستی مطرح است. در این آیه بحث ولادت و نسل و ذریه مطرح است؛ سوگند به پدری که از او نسلی پدید می‌آید و آنچه که به عنوان نسل از او به جا ماند یعنی فرزندش؛ علامه(ره) می‌فرماید والد که به صورت نکره آمده است، عظمت این والد را نشان می‌دهد و اینکه به جای من ولد، ما ولد گفته شده، آنچه به دنیا آورد، عظمت این فرزند را نشان می‌دهد. پس به نظر می‌رسد منظور حضرت ابراهیم(ع) و حضرت اسماعیل(ع) است. قسم به سرزمین مکه و پیامبر(ص) ساکن در مکه، که ارزش مکه به خاطر ایشان هست و خونس حلال شماره شده و قسم به حضرت ابراهیم(ع) که اصلا خانواده‌اش را مقیم این سرزمین کرد و حضرت اسماعیلی(ع) که آب زمزم زیر پایش جوشید و ذبیح الله بود. بنا بود حضرت ابراهیم(ع) ایشان را ذبح کند که به جای آن فدیهای داده شد. همه مناسک حج از زندگی این خانواده شکل گرفته است. رمی جمرات مربوط به برخورد حضرت ابراهیم(ع) با شیطان هست که نمی‌خواست بگذارد حضرت اسماعیل(ع) را ذبح کند. سعی صفا و مروه مربوط به دیدن حضرت هاجر(ع) است تا آب برای فرزندش پیدا کند. آن‌ها پایه گذار این شهر و مناسک بودند. این خانواده هم خیلی سختی کشیدند. کسانی بودند که ملائکه سر سفره شان می‌نشستند ولی زندگی سختی داشتند.

این قسم‌ها فضای بلد، سرزمین را ترسیم می‌کند و ارزش بخشی به سرزمین مطرح است.

ارتباط سرزمین با توالد را می‌توان از این قسم‌ها فهمید. این آدم‌ها هستند که به سرزمین‌ها ارزش می‌دهند. این نسل‌ها هستند که به سرزمین‌ها ارزش می‌دهند. این ماجرای به دنیا آمدن افراد در سرزمین‌ها و تحمل سختی‌ها هست که به سرزمین‌ها ارزش می‌دهد.

نمونه شاخص این جریان، تحمل سختی‌های حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) و سپس پیامبر(ص) هست که این سرزمین را ارزشمند کرده است.

در ابتدا مکه وادی غیر ذی زرع بوده که با تلاش‌های این بزرگواران به ارزشمندترین سرزمین عالم تبدیل شده است.

ارزش بخشی به سرزمین‌ها با تلاش انسان‌ها خواهد بود.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (۴)

بعد از این قسم‌ها، اصل مطلب به شکل قانون مطرح می‌شود. همانا ما انسان را در کبد خلق کرده ایم.

کبد یعنی تلاش همراه با سختی که انسان می‌کند. شرایط همیشه هم دلخواه انسان نیست؛ همیشه همه چیز مطلوب نیست و آن طوری که انسان دلش می‌خواهد نیست و گاهی با سختی‌ها و دست‌انداзهایی همراه است که برای انسان نامطلوب است. ان شاء الله در بهشت راحتی هست و همه چیز هر جور که دل انسان می‌خواهد، هست. در دنیا باید سختی‌ها را تحمل کرد تا به قله برسد.

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵)

حالا این انسان خیال می‌کند کسی قرار نیست بر او تنگ بگیرد؟ هر چیز که او بخواهد می‌شود؟

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا (٦)

یک مبلغی را به کسی کمک کرده می گوید مالم را تلف کردم؟ وقتی دادی تلف کردی؟ و خیلی زیاد بوده آنچه دادی؟

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدًا (٧)

آیا گمان می کند اگر به کسی کمک کرد هیچ کس او را ندیده؟ آیا فکر می کند مالش با کمک به دیگری تلف شده و اگر برای خودش خرج می کرد، فکر نمی کرد که تلف شده است؟

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (٨) وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ (٩)

مگر ما به او دو چشم ندادیم؟ مگر مالی که داده، در مقابل این دو چشمی که ما به او دادیم چه قدر بود؟ چه داده؟ مگر به او یک زبان و دو لب ندادیم.

انسان با دو چشم می تواند ورودی داشته باشد و با زبان و دو لب می تواند صحبت کند و ارتباط برقرار کند، در واقع خروجی داشته باشد.

وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (١٠)

او را هدایت کردیم به دو بلندی.

علامه (ره) می فرماید: نجدین، به معنای دو راه مشخص است: راه خیر و شر است، راه انتخاب های درست و انتخاب های غلط است.

هدایت کردیم به این دو راه یعنی او را از ناآگاهی نسبت به این دو راه در آوردیم. از جنبه های شبیه فالهمها فجورها و تقواها در سوره شمس است.

در این آیات نمونه‌ای مشخص و روشن از ورودی انسان، ابزار ابراز و خروجی انسان و قدرت تشخیص انسان بیان می‌شود.

ارتباط این مطلب با آیات قبل بود، این است که انسانی که فکر می‌کند با کمک کردن، مال خود را تلف کرده، باید توجه کند که خداوند چه چیزهایی به او داده است و ارتباط این آیات با آیات بعدی به این صورت است که:

انسانی که فکر می‌کند با کمک کردن، مال خود را تلف کرده، اساساً در مورد زندگی چگونه فکر می‌کند؟ فکر می‌کند زندگی چگونه است؟ مقصد زندگی را چه می‌بیند؟

فَلَا افْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (۱۱)

ما این چشم و دلب و ابزار تشخیص را به آن‌ها دادیم، پس عقبه را عبور نکرد.

"پس" دارد یعنی این آیه در ارتباط قبل است. این‌ها را خدا به انسان داده تا اقتحام عقبه کند.

اقتحام از ریشه قحم به معنی وارد شدن با شدت و سختی؛ انسان خودش انتخاب کند که با سختی وارد جایی شود. مثلاً وارد شدن به اینجا سخت است، آدم انتخابش نمی‌کند ولی اقتحام یعنی آن را انتخاب کند.

عقبه به معنای یک راه سربالایی صعب العبور سنگلاخی سخت است که از پشت کوه می‌رود و در نهایت به قله می‌رسد؛ مسیری که محل عبور همه نیست و عبور از آن سخت است.

خدا حالا که به انسان دو چشم و دو لب و زبان و قدرت تشخیص داده، از او توقع داشته که با اینکه ورود به عقبه سخت هست، به آن وارد شود. هم خود عقبه سخت است و هم ورودش سخت است. اصلاً برای همین این نعمت‌ها را داده است. چشم را نداده که در لهو استفاده کند، دهان را نداده که برای اینکه هر چیزی بگوید، قوه تشخیص را نداده تا با آن زرنگ بازی در بیاورد.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (۱۲)

چه چیز به تو فهماند که عقبه چیست؟ عقبه چیست؟

فَكَ رَقَبَةً (۱۳)

عقبه، فک رقبه است؛

فک رقبه یعنی باز کردن گردن؛ در آن زمان به آزاد کردن برده‌ها می‌گفتند. برده، کسی بوده که گردنش یک جا گیر بوده، بعد شما آن را آزاد می‌کنید. این معنا را می‌توانیم توسعه دهیم چون الان برده به آن معنا نداریم می‌شود گفت رها کردن کسی که گیر است، گرفتار است، بدهکار است؛ مثل آزاد کردن یک زندانی؛ گاهی آدم زورش می‌آید چون پول را می‌دهی و این آقای برده که قیمتش هم زیاد است، می‌رود و هیچ چیزی گیرت نمی‌آید. آزاد و رها کردن هرکسی که در جایی گرفتاری دارد که ممکن است فقط با پول هم این رهاسازی لزوماً صورت نگیرد؛ ممکن است به لحاظ معنوی یک نفر در بند باشد و بشود با کمکی معنوی او را آزاد کرد مثلاً کسی یک عادت بدی داشته باشد، باور غلطی داشته باشد.

گردن محل اتصال سر به تن است. جایی هست که گردش سر از آنجا صورت می‌گیرد. کسی که گردنش گیر است، اطراف را خوب نمی‌تواند ببیند. دید وسیعی ندارد. نمی‌تواند انتخاب درستی داشته باشد. اگر گردن کسی باز شود، امکان رشدش بیشتر فراهم می‌شود.

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَعْبَةٍ (۱۴)

اطعام یعنی طعام دادن به دیگران، نیازهای دیگران را به خوبی برطرف کردن. طعام چیزی هست که به کسی می‌دهی بخورد تا سیر شود ولی طعام از ریشه طعم هست، چیزی هست که طعم داشته باشد، طرف دوست داشته باشد که بخورد، میلش بکشد. اطعام در مرتبه اول یعنی غذا به دیگران دادن و در معنای وسیع‌تر یعنی نیازهای انسان‌ها را به خوبی برطرف کردن. طعام یعنی چیزهایی که انسان‌ها باید اکل بکنند و وارد ساختار خودشان کنند و متناسب با خودشان استفاده نمایند. معلم، اگر طوری به دانش‌آموزان درس بدهد که مطلب

به جان آن‌ها بنشینند و بپذیرند و وارد زندگی شان بشود یعنی یک طعام علمی و معنوی در اختیار دیگران بگذارد، در واقع آن‌ها را اطعام کرده است. اطعام مراتب دارد.

اطعامی که در این سوره مطرح است، اطعامی است که فی یوم ذی مسغبه باشد؛ یعنی اطعام در روزی که طعام نیست؛ روزی که قحطی است؛ نوعاً افراد غذایی برای خوردن ندارند. در روز قحطی که خود انسان هم در مضیقه و سختی است، اطعام دیگران سخت‌تر می‌شود و اطعامی که مدنظر سوره بلد است، این نوع اطعام است. قحطی ممکن است کمبود همین غذایی که می‌خوریم باشد یا قحطی معنوی باشد یعنی من همین سطح از هدایتی که دارم را با دیگران به اشتراک بگذارم.

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۱۵) أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (۱۶)

اطعام نسبت به چه کسانی؟

۱. یتیم: بی سرپرست و بدون حامی؛ کسی که کرامتش از بین رفته و تحقیر شده است.
یتیم‌ها ذامقربۀ، یتیمانی که در خویشاوندان ما هستند و یا ممکن است منظور یتیمانی باشد که فامیل و اقرباء دارند اما کسی از بین آن‌ها حامی و سرپرست او نیستند بعد من می‌گویم به من چه! عمویش خرجش را بدهد. ولی به هر دلیلی او نمی‌دهد. آدم باید به کسانی که سرپرست ندارند، توجه کند و نیازهایشان را برطرف کند، گردنشان را آزاد کند.
۲. مسکین از ریشه سکن است؛ کسی که به سکون رسیده و نمی‌تواند از جای خود بلند شود؛ ذامتربه یعنی کسی که محل سکونتش خاک است؛ خاک نشین است، کارتون خواب است و چیزی ندارد. متربه با تراب هم ریشه است.

آدم باید از نیازمندترها شروع کند. من می‌گویم بچه من در حال رشد است، باید خوب غذا بخورد، نیازمندی‌هایش را تامین می‌کنم، ولی باید گوشه ذهنم باشد که بقیه چی؟ ما یک زندگی اجتماعی داریم. اگر قرار است که ما خوب بخوریم و رشد کنیم حتی رشد معنوی، بقیه چی؟ آدم نسبت به بقیه نباید بی تفاوت

باشد. آدم‌هایی که فکر می‌کنیم دچار فقر معنوی هستند، اگر دختر و پسر ما بودند

باز هم به آن‌ها بی‌تفاوت بودیم؟ خدا به ما چشم و دهان و قوه تشخیص داده، نباید نسبت به این افراد بی‌تفاوت باشیم.

اگر قرار است که من اطعام کنم و برده آزاد کنم، به چی نیاز دارم؟ به پول نیاز دارم ولی سوره این را نگفته است. گفته ما به تو چشم و دهان و قوه تشخیص دادیم حالا برو اطعام کن و برده آزاد کن. به نظر خدا مواد لازم برای آزاد کردن برده و اطعام، این‌هاست نه پول. من با چشمم اول باید برده را شناسایی کنم، بعد با دهانم با او حرف بزنم، با صاحبش حرف بزنم، با دیگران حرف بزنم شاید بتوانم کاری بکنم. قوه تشخیص دارم بینم چگونه می‌توانم این را آزاد کنم. مثلاً می‌بینم پول می‌خواهد تشخیص دهم که چگونه پول تهیه کنم؟ با چشمم بینم کی پولدار است. با زبانم با کسی صحبت کنم تا او کمک کند.

حض بر طعام مسکین که در سوره ماعون آمده است، یک همچین کاری هست، حض یعنی کاری که افراد دون از شان خود می‌دانند. من می‌گویم برای چی رو بندازم به حاج آقا که او هم روی من را زمین بیاندازد به خاطر فلانی. حاج آقا هم دون شان خود می‌داند که تو از من چه توقعی داری؟

خدا از ما توقع دارد که برای طعام مسکین تلاش کنیم، فکر کنیم بچه خودمان است. بچه من مریض باشد، هر کار از دستم برمی‌آید انجام می‌دهم. برای بقیه هم همان کار را بکنم.

قبلش گفته که اصلاً چرا آدم‌ها وقتی پول به کسی می‌دهند، فکر می‌کنند که تلف شده است. خدا این فرد را توبیخ می‌کند. خدا دارد می‌بیند تو چه کار می‌کنی.

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (۱۷)

وقتی انسان این کارها را انجام دهد، پس جزء کسانی که ایمان آوردند و توأصی به صبر و توأصی به مرحمت کردند، خواهد بود.

تواصی به معنای همدیگر را توصیه و سفارش کردن است؛ همه همدیگر را دنباله

روی خودشان بدانند. مثلاً من کار خوبی دارم می‌کنم که بقیه‌اش را شما باید بکنی، شما یک کار می‌کنی که بقیه‌اش را من باید بکنم و... ما وصی یکدیگر باشیم. ما با هم هستیم و جدا از هم نیستیم. برای همین یکدیگر را توصیه می‌کنیم. می‌گوییم: حواست باشد...!

تواصی در سوره عصر، به حق و صبر بود، اینجا به صبر و مرحمت است.

صبر یعنی ادامه دادن، استمرار داشتن؛ اگر قرار است که به قله برسیم، بروم تا به قله برسیم، وسط راه خسته نشوم؛ اگر خسته شدم، یکی بیاید دست من را بگیرد و یک یا علی بگوید تا بلند شوم. تواصی به صبر یعنی کمک کردن یکدیگر به از پای ننشستن و ادامه دادن.

مرحمت یعنی به همدیگر رحم کردن، با هم مهربان بودن؛ تواصی به مرحمت یعنی سفارش کردن همدیگر به مهربانی کردن و محبت داشتن. "با هم مهربان باشیم، او هم اینجوری هست، منظوری نداشت."

أَوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْمِیْمَنَةِ (۱۸)

این افراد اصحاب میمنه هستند. اهل بیت (ع) سطح بالای این‌ها هستند ولی این‌ها کسانی هستند که باورهایی دارند که اطمینانشان به این باورها محکم است. امنیتشان به واسطه ایمانشان به دست می‌آید. به خدا، به ملائکه، به حقایق عالم باور دارند و تواصی به حق و مرحمت می‌کنند.

ما دو چشم داریم، زبان و دلب و قدرت تشخیص داریم، حالا می‌خواهیم به کسی کمک بکنیم. چه راهایی وجود دارد:

- گاهی یک کسی دارد از پا می‌افتد، ما می‌توانیم برویم تواصی به صبر کنیم. برخی با آن‌ها صحبت کنند، مشکلشان حل می‌شود. "نه بابا طوری نیست، دنیا همینطور است و..." توصیه به صبر برای کسانی که گرفتار هستند، جواب می‌دهد.

- گاهی نیاز به پول هست تا مشکل کسی حل شود مثلاً سرطان دارد باید برود دوا

درمان کند. توصیه به صبر خوب است ولی پول دارویش چه می‌شود؟ نیاز به توصیه به مرحمت هست. بروم

پیش کسی بگویم: "این هم مثل بچه شما، برای شما که مبلغی نیست. هزینه یک ماهش را تقبل کنید."

جریان توأسی به صبر و مرحمت، جریان جالبی را در جامعه شکل می‌دهد. جامعه ای که نسبت به هم بی

تفاوت نیستند و به هم کمک می‌کنند تا این عقبه را طی بکنند و به مقصد برسند.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۱۹) عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ (۲۰)

نقطه مقابل این افراد کسانی هستند که به آیات الهی، کفر دارند؛

آیه یعنی یک پدیده از جهت اتصالی که به حقایق دارد. وقتی گیاه و رشدش را می‌بینید یک آیه است چون

انسان را به حقیقت بالا تر آن و با خدایی که این پدیده را آفریده، متصل می‌کند. از این جنبه یک آیه هست.

شب و روز، خورشید و ماه، حوادث و عبرت‌های زندگی و... هم آیه هستند. انسانی که در همه چیز، حقایق

بالتر آن را می‌بیند، نگاه آیه بین دارد و می‌تواند از همین زندگی روزمره خودش رشد و در نتیجه قرب پیدا

کند. اگر کسی این جور نگاه نکند، در واقع کفر به آیه دارد. می‌گوید: "این حرفها چیه؟ شما هم همه چیز را

به خدا ربط می‌دهید. گیاه است دیگر. حقیقت بالادستی آن کدام است؟" پدیده را مستقل ببیند، یعنی کفر

به آیه دارد. این افراد، اهل شومی هستند که آتشی آن‌ها را احاطه کرده است.

یک طرف افرادی را داریم که به صبر و مرحمت توصیه می‌کنند، یک طرف هم کسانی اند که کفر به آیات

دارند. معلوم می‌شود کسانی می‌توانند عقبه را طی کنند، کسانی می‌توانند از چشم و دهان و قوه تشخیصشان

درست استفاده کنند که آیه بین باشند، پدیده‌ها را مستقل نبینند. "این که شب و روز است، این‌ها هم که

اتفاقاتی هست که شانسی می‌افتد." کسی که اینگونه فکر کند نمی‌تواند به فکر دیگران باشد. وقتی کسی آیه

بین باشد و پدیده‌ها را با حقایق بالای آن ببیند، نسبت به دیگران هم همینگونه هست، بقیه را مانند فامیل

خودش می‌بیند. طبق سوره نساء، همه خویشاوند ما هستند. نسبت به دیگران این احساس را دارد.

ان شاء الله به برکت سوره بلد، افق مان را بالا بگیریم و اهدافمان را فقط خور و خواب

و خشم و شهوت بگیریم. اهداف اجتماعی داشته باشیم، دنبال اصلاح اجتماعی باشیم. در این صورت حاضریم سختی‌ها را برای حل مشکلات اجتماعی تحمل کنیم.

افرادی که حاضر نمی‌شوند وارد عقبه بشوند، حاضر نمی‌شوند که سختی‌های در جهت حل مشکلات اجتماعی بکشند، آن‌ها دچار سختی‌های مربوط به خودشان می‌شوند؛ چون اصلاً انسان در سختی آفریده شده است. این گونه نیست که تحمل نکردن مشکلات دیگران، مشکلات انسان را کم کند؛ دیگران زندگی انسان را سخت نمی‌کنند؛ انسان یک سهمی از تحمل مشکلات دارد. اگر مشکلات دیگران را حل نکنی، باید مشکلات خود دست و پنجه نرم کنی. زندگی از اصل و اساس سخت است چه بهتر که سختی‌هایش به خاطر بهبود وضعیت دیگران باشد. زندگی سخت است چون انسان قرار است که رشد کند؛ سختی هم به معنی آزار و رنج نیست، می‌تواند گوارا باشد مانند کوهنوردی که سخت است ولی انسان لذت می‌برد.

سوالات

صفت امین که برای سوره تین آمده اما برای سوره بلد نیامده یعنی خون پیامبر(ص) را حلال دانستند؟ خیر، اینکه اینجا صفت امین نیامده، نشان دهنده جایگاه پیامبر(ص) در قسم خوردنی شدن مکه و این بلد است.

آمدن "او مسکینا" مفهوم آیه قبلی را می‌گوید؟

در واقع می‌فرماید، آزاد کردن برده ای یا ... در واقع هر کدامش می‌تواند عقبه باشد. پس او به معنای "یا" است.

این سوره دارد بلد وجود انسان را می‌گوید که در خلقت انسان، روح شعبه‌ای از حضرت رسول(ص) است در سختی و در بند نفس اماره آفریده شده ولی نفس حرمت آن را نگه نمی‌دارد. این دستورات

هم دستورات عقبه آزادی روح از بند نفس اماره است که البته این آزاد

کردن تظاهرات بیرونی هم دارد آیا این افراد در سوره وجهی هم دارند؟

برای اینکه بتوانیم این نکات را در سوره بگوییم، اول باید وجه ظاهری و بیرونی ترش را متوجه بشویم. اگر خود ماجرای سوره و ارتباط آن را با بلد، که همان مکه باید باشد که این آیات در آنجا نازل شده و انسان‌هایی که در مکه، ممکن بوده به افرادی کمک کنند یا نکنند و انسان‌هایی که از امکاناتشان استفاده کنند یا نکنند. این مفاهیم رو اگر درست متوجه بشویم می‌توانیم این نسبت را هم با این‌ها بگوییم. اگر بخواهیم مصادیق دیگری را بگوییم باید با همه جای سوره هماهنگ باشد یعنی باید معنای وجود انسان با بلد را در یک مرتبه‌ای ببینیم. چون بلد یک قطعه از ارض است. حالا ممکن است جنبه ای از وجود انسان هم مثالی از ارض باشد. خب این کدام قطعه وجودی انسان را مطرح می‌کند؟ باید تک تک هر کدام از این‌ها را ببینیم که آیا نکاتی که شما فرمودین می‌تواند مصادقی از آن کلمه و مفهوم باشد یا نه. مطلبی که فرمودین مطلب خوبیست اما اینکه بخواهیم ربطش را با سوره بلد بگوییم نیاز به تخصص ویژه دارد که انسان بتواند از طریق روش‌های تدبر در قرآن بررسی کند. تا موقعی که انسان مطمئن نیست، بهتر است همان مطالبی که تفاسیر می‌گویند را مدنظر قرار دهد و زمانی که متخصص شد می‌تواند مصادیق دیگری را هم احتمالا متوجه شود.

نکته خانم سیفی

چقدر خداوند انسان‌ها را دوست دارد و هیچ بنده‌ای رها نکرده است. بنده‌ها حرمت دارند. پیامبر(ص) و سرزمینی که در آن است حرمت دارد و مومنین هم خیلی حرمت دارند.

رشد انسان رشد اجتماعی است. خداوند در رشد انسان در مادیات نگاه اجتماعی و به اخلاقیات و اصلاح خود نگاه فردی دارد.

نکته

حتی آنجایی هم که در اخلاقیات و اصلاحیات نگاه فردی که دارد اصلا اصلاح

خود برای اصلاح جامعه است. من باید خودم را اصلاح کنم و نمی‌توانم دیگران را اصلاح کنم. حتی برای اینکه جامعه اصلاح شود باید خودم را اصلاح کنم. درست است عملکرد فردیست اما نگاه اجتماعی است. اصلا برای اینکه دیگران درست شوند خودتان را درست کنید.

این سوره خیلی برای من خاص است. چراکه هیچ فاصله این بین ما و دیگران و حتی حضرت رسول(ص) حس نمی‌شود. گویی حتی پیامبر(ص) هم در وجود ما حل شده مثل حل شدن شکر در آب و حتی نزدیک تر از آن.

چگونه می‌توانیم بین اعضای خانواده برای تامین نیازهایشان و دغدغه برای دیگران از افراط و تفریط به دور باشیم؟

به این صورت که بر اساس حکم خدا عمل کنیم. دنبال حکم خدا باشیم. یعنی معیارمان برای عمل حکم خدا باشد. کاری که فکر می‌کنیم خدا می‌خواهد را انجام دهیم.

فرق سوره لیل با سوره بلد در چیست؟

در سوره لیل که گفتیم باید کارهای خوب آسان و کارهای بد سخت شود این بود که سختش شود که کاربرد انجام دهد، در آنجا ما می‌خواهیم بگوییم که کار خوب آسان است. سختی و آسانی سوره لیل بیرونیست یعنی ی کاری یا مسیری رفتنش سخت است. در سوره مبارکه بلد چیزی که مطرح است بحث تحمل و پذیرش سختیست. در این سوره می‌خواهیم انسانها وقتی میخواهند به یک هدفی برسند حاضر باشند کار سخت رو هم انجام دهند. یعنی مثلا وقتی می‌خواهند تصمیم بگیرند که یک کاری انجام دهند نگاه نکنند به سختی آن، اگر کار خوبیست انجام دهند حتی اگر سخت باشد.

اهداف تربیتی برای شش پایه دبستان

سوره مبارکه بلد "سوره‌ای برای توجه به مقاصد پیچیده و مرحله دار است."

پایه اول

حرکت به سمت مقاصد پیچیده و مرحله‌ای

در این پایه بخاطر نشاطی که دارند مطالب را باید با بازی به آن‌ها یاد داد و نباید نشاط شان از بین برود. در همین فضای شاد به آن‌ها یاد می‌دهیم که ما می‌توانیم به هدف‌های بزرگتری هم برسیم و کارهای بزرگتری هم انجام دهیم. باید طوری این را توضیح دهیم که متوجه منظورمان بشوند. این سوره به ما یاد می‌دهد که با تلاشمان می‌توانیم به چیزهای بزرگتر و بهتری برسیم. بعد فعالیت‌هایی برایشان طراحی کنیم که به مقاصد پیچیده‌تری برسند. مقاصد و کارهای مرحله داری که دانش آموزان به انجام دادن آن‌ها ترغیب شوند. فعالیتی که کمی پیچیده باشد ولی نه در حدی که دانش آموزان زجر بکشد. فعالیتی که پیچیدگی اش در حد ۵ یا ۱۰ مرحله باشد که مراحلش مدل‌های مختلف داشته باشد.

پایه دوم

درک تفصیلی از انواع مقاصد ساده و آسان یا پیچیده و سخت

در پایه دوم تمرکز روی تفصیل و شناخت تفصیلی پیدا کردن، است. به بچه‌ها می‌گوییم: این سوره به ما یاد می‌دهد که بعضی اهداف، هدف‌های مهم‌تری هستند، اهداف طولانی‌تری هستند که به همان نسبت باارزش تر و سخت ترند.

باید یاد بگیرند که مقاصد مختلف را بشناسند. رسیدن به بعضی اهداف سریع است ولی انسان به بعضی اهداف با یک یا دو گام نمی‌رسد و باید مراحل مختلفی را طی کند تا به آن برسد. باید تمایز و تنوع انواع هدف را از

نظر سخت و آسان بودن، از نظر ساده یا پیچیده بودن، یک یا چند مرحله‌ای بودن بفهمند. مراحل رسیدن به یک هدف را بدانند که این هدف انواعی از مراحل را دارد. بعضی از مراحل آسان و بعضی دیگر سخت‌اند.

پایه سوم

مرحله‌بندی برای رسیدن به مقاصد پیچیده با کمک بزرگترها

در پایه سوم باید دانش آموزان را وارد مراحل عملی کنیم البته یک کار کوچک.

در این پایه باید یک هدفی را مشخص کنند، هدفی که کمی دور باشد و خودشان مرحله بندی کنند. ممکن است در این پایه نتوانند خودشان این کار را انجام دهند ولی باید به صورت عملی وارد شوند، ممکن است بزرگترها کمکشان کنند ولی دانش آموزان خودشان درگیر این کار شوند که یک هدف بلندی را مرحله بندی کنند و اقدام کنند برای رسیدن به آن.

اگر بخواهیم از کلاس اول با دانش آموزان فهم قرآن کار کنیم از سوره حمد و ناس و فلق و اینها شروع می‌شود تا به سوره ماعون می‌رسد. بعد فیل و قریش برنامه تابستانشان می‌شود و از سال دوم دوباره از قریش شروع می‌شود، تا سوره مبارکه زلزال، سوره مبارکه قدر برنامه تابستانی دانش آموزان دوم است. کلاس سوم از سوره مبارکه قدر می‌شود تا سوره مبارکه شمس. سوره مبارکه بلد برنامه تابستانی پایه سوم است. سومی‌ها با سوره بلد در تابستان به هر سرزمینی که سفر می‌کنند آن را ثبت کنند.

در پایه چهارم از سوره بلد شروع می‌شود. یعنی اگر در یک سیری دانش آموزان بخواهند فهم قرآن بخوانند، سوره بلد سوره پایه چهارم خواهد بود.

پایه چهارم

توجه به مقاصد سخت‌تر و پیچیده‌تر و افزایش تلاش برای رسیدن به آنها

اگر اولین سال است که بچه‌ها سوره بلد را یاد می‌گیرند، باید مطالب پایه‌های قبل به آن‌ها منتقل شود. در این پایه دانش آموزان مشخصا باید به هدف‌های پیچیده‌تر بیشتر توجه کنند. دنبال هدف‌های خوب و بزرگ و بلند باشند و کاری به سختی و آسانی آن نداشته باشند. برایشان مهم باشد که به اهداف خوب و بلند برسند حتی اگر سخت باشد. وقتی هدفی انتخاب کردند که سخت است، برنامه‌ریزی بیشتری انجام دهند تا به آن برسند.

پایه پنجم

شناخت مقاصد دیگران و همکاری با آن‌ها برای رسیدن به مقصد

در پایه پنجم همانطور که بحث تعامل با دیگران مطرح است نوعا دانش آموزان که سوره بلد می‌خوانند شکل سوره خواندنشان باید طوری باشد که با رویکردهای سوره‌های مختلف، روابطشان با دیگران اصلاح شود و ارتقا پیدا کند و دیگران در زندگیشان نقش آفرین شوند.

اگر اولین سال است که بچه‌ها سوره بلد را یاد می‌گیرند، باید مطالب پایه‌های قبل به آن‌ها منتقل شود. در پایه پنجم باید بجز اهداف خودشان، مقاصد دیگران را هم ببینند، یعنی باید به چیزهایی که بقیه باید برسند، هم توجه کنند.

هم مقاصد دیگران را ببینم و هم همانطور که در پایه چهارم یاد گرفتم که برای اهداف بلند خودم تلاش کنم برای اهداف دیگران هم تلاش کنم. حس "اهلکت مالا لبدا" ی سوره بلد را نداشته باشم. خب من تلاش می‌کنم تا کسی دیگر به هدفش برسد. این ارزشمند است.

پایه ششم

پایداری و مهربانی در قالب همکاری گروهی برای رسیدن به مقاصد پیچیده

در پایه ششم دانش آموزان باید گروه تشکیل بدهند، یعنی تواصی به صبر و مرحمت باید برایشان اتفاق بیافتد. باید برای اهداف بلندتر و پیچیده‌تر و مرحله دارتر گروه تشکیل بدهند. باپایداری و صبر و مهربانی کردن به همدیگر کار گروهی انجام دهند.

سوالات

✚ برای کلاس اول حل پازل هم مفید است؟

خوب است اما بهتر از پازل هم می‌شود. باید مراحل متفاوت داشته باشد. یعنی دانش آموزان متوجه تمایز این مراحل بشوند. اما می‌شود پازل را هم برای استفاده در سوره بلد پیشنهاد کرد.

✚ در پایه سوم با کمک مادر آشنایی انجام دهند، خوب است؟

بله، ولی باید طوری باشد که ابتدای کار بنظرشان کار سختی بیاید و مرحله به مرحله که انجام می‌دهند و لذت رسیدن به نتیجه را می‌چشند، متوجه شوند که انجام دادنش خیلی خوب است. فضای کلی سوره بلد نباید فراموش شود. یعنی در آشنایی کردن هم باید یادمان باشد که سوره بلد می‌خوانیم. سوره بلد می‌گوید اهداف مختلفی وجود دارد که بعضی ساده و بعضی پیچیده‌اند. برای اینکه ما یک هدفی را انجام دهیم سختی و آسانی‌اش را نباید ملاک قراردسیم، فقط نگاه می‌کنیم که کدام کار بهتر است و نتیجه بهتری دارد پس همان را اگر مراحل مختلف دارد برنامه ریزی می‌کنیم و انجام می‌دهیم.

✚ برای کلاس سوم می‌شود طرح جابربن حیان که در مدارس اجرا می‌شود را مثال زد که می‌خواهیم

در چه موردی تحقیق ارائه کنیم چه ابزاری لازم داریم.

بله فضای سوره بلد را اگر پس زمینه داشته باشیم خیلی کار مفیدیست.

✚ دانش آموزان من سوره‌ها را یاد گرفته‌اند متوجه شدم گروه زده اند و دارند به دختران فامیل و

دوستانشان آموزش می‌دهند. آیا این کارشان را تایید کنم یا خیر؟

بنظرم وقتی علاقمند هستند به گفتن سوره‌ها، مانعشان نشوید ولی شما بسته آموزشیشون رو براشون تعیین کنید.

نکته خانم سیفی

به دانش آموزان می‌شود مفاهیم را دقیقاً گفت و القا کرد و بگوییم همین را اول برای من بگو. بعد از اینکه چک کردید فیلم بگیرند یا صوت ضبط کنند بعد همان را برای دوستانشان ارسال کنند. دانش آموزانی که می‌خواهند آموزش بدهند معلم با آنها هماهنگ کند که اگر درست بود همان را به بقیه یاد دهند.

📌 کلاس پنجم و ششم ، سپردن مسئولیت اجرای برنامه‌های مناسبی به دانش آموزان و انجام به نحو احسن پیشنهاد می‌شود؟

برای این دو پایه این فعالیت خیلی خوب است، برای خیلی سوره‌ها خوب است. برای سوره نصر، مسد، فلق و خیلی سوره‌های دیگر هم انجام این کار مفید است. چاشنی سوره‌ها را به آن دادن مهم است.

📌 آیا می‌شود مرحله بندی کارها را با آداب نماز خواندن تطبیق داد؟

اینکه نماز را هم اینگونه برایشان معرفی کنیم بد نیست هرچند که نماز را نباید بعنوان یک کار کبد معرفی کرد که مرحله دار و سخت است. نماز را نباید برایشان خیلی پیچیده کرد. نماز را باید از مدل سوره لیل نشان داد اینطور که خب نماز کار خوب و آسانی است باید بخوانیم تا برایمان آسان شود.

بهتر است اهداف پایه‌های بالاتر را برای پایه‌های پایین اجرا نکنیم نباید گول ظاهرشان را خورد. بچه‌های پایه‌های پایین ممکن است هدف یک پایه بالاتر از خودشان را بهتر درک کنند. هدف ۳ تا پایه بالاتر از خودشان واقعا برایشان جا نمی‌افتد یعنی مثلا اگر از دانش آموز پایه دوم توقع داشته باشید که مقاصد دیگران را بشناسد و همکاری کند واقعا توقع زیاد است .

📌 برای هدف پایه چهارم در منزل برای تربیت فرزند مثال بزنید، هدف که سخت می‌شود پس می‌زنند؟

مثال‌هایش دقیقاً همان چیزهاییست که پس می‌زنند. به برکت سوره بلد به آن‌ها

یاد دهیم که اگر هدف سخت است باید بتوانیم ارزشمندی هدف را به آن‌ها یاد بدهیم. بگوییم خدا در سوره بلد می‌گوید ما یکسری اهداف ارزشمند برایتان گذاشته‌ایم، انسان‌هایی که سختی‌اش را تحمل می‌کنند و برنامه ریزی می‌کنند به آن می‌رسند. باید ترغیبشان کنیم و این را بگوییم که خیلی وقت‌ها خیلی از کارهایی که بنظر سخت می‌آید را انجام نمی‌دهیم، یک مشکل دیگری برایمان پیش می‌آید که از خود همان کار سخت‌تر است. می‌شود با یادآوری خاطره ای این را برای بچه تفهیم کرد. طوری که حالت ایراد گرفتن و سرزنش برایشان نداشته باشد. کارسخت سخت است دیگر، باید ارزش کار را طوری نشان دهیم که انجام دادنش برایشان بیارزد.

✚ اهمیت تحمل دشواری عبودیت به چه ترتیب در پایه‌های مختلف اشاره می‌شود؟ در طراحی مثال‌ها

پس زمینه ذهن خودمان باشد؟

بله، به دانش آموزان می‌گوییم که کار خوب و درست را انجام دهند. به آن‌ها می‌گوییم اگر کاری سخت ولی درست است باید انجامش داد اما بحث مربوط به نماز و این‌ها باید در ذهن خودمان باشد.

✚ تهیه کاردستی‌های آریگاهی‌های سخت شاید جالب باشد

بله ولی باید حواسمان به ارتباطش با سوره بلد باشد.

نکته خانم سیفی

اگر بتوانند فعالیت‌های چالشی مرحله دار بسازند خیلی مورد پسند بچه‌هاست.

✚ انجام فعالیت‌های فنی و اجرای الگوهای کلاس‌های رباتیک برای پسرهای پایه‌های بالاتر جذاب است؟

بله. فقط مراقب باشیم پس زمینه سوره بلد یادمان نرود.

✚ به دانش آموزان در مورد چیزهای باارزش دنیا تحقیق بدهیم؟

اگر دنیاگرایی ایجاد نکند اشکالی ندارد اما ممکن است این اتفاق بیفتد.

✚ از طریق نشان دادن عکس سبک‌های زندگی کشورهای مختلف؟

بله، خوب است. نشان دادن سبک زندگی در کشورهای مختلف خوب است به شرط آنکه باعث نشود بچه‌ها توجهشان به مسایل منفی برود. سبک زندگی در کشورهای مختلف مقایسه‌ای باشد. مثلاً اینطور نباشد که بعضی کشورها گل و بلبل و بعضی کشورها بدبخت باشند. تنوع سبک زندگی را نشان دهیم. سبک زندگی شهری با سختی‌های خودش و سبک زندگی‌های روستایی با سختی‌های خودش. سبک زندگی‌های قبیله‌ای و...

✚ من مجبور شدم در شرایط تدریس مجازی در پایه چهارم گروه بزنم، سرگروه ریاضی تعیین می‌کنیم و کار گروهی می‌دادیم و سرگروه‌ها برای مشکلات بچه‌ها باید مرحله به مرحله مشکلات را رفع می‌کردند. مثلاً اول با صوت، بعد فیلم و....

بله، این خیلی خوب است فقط اگر پس زمینه سوره یادمان نرود.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم